

خطاهای ترجمه در باهم‌آیی‌های قرآنی با تکیه بر دیدگاه‌های نیومارک، بیکر و لارسون

۱- محمد امیری فر*، ۲- کبری روشنفکر**، ۳- خلیل پروینی***، ۴- عالیه کرد زعفرانلو****

- ۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۲- دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۳- استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۴- استاد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۵)

چکیده

بسیاری از نظریه‌پردازان ترجمه به نقش باهم‌آیی در ترجمه اذعان کرده‌اند و در بخشی از مطالعات خود، نقش این پدیده زبانی در ترجمه را بررسی نموده‌اند، اما در حوزه ترجمه قرآن، هنوز این مسئله بررسی نشده‌است و با چالش‌های زیادی روبه‌روست. در پژوهش حاضر با تکیه بر دیدگاه‌های نیومارک، بیکر و لارسون از یک طرف، و ترجمه قرآن از طرف دیگر، یک تقسیم‌بندی جدید از چالش‌های ترجمه در باهم‌آیی‌های قرآنی، فارغ از تقسیم‌بندی نحوی آن، ارائه شده‌است و با استخراج شواهدی برای این چالش‌ها از ده ترجمه معاصر قرآن، راهکارهایی برای حل این چالش‌ها پیشنهاد می‌کند. جامعه آماری این پژوهش شامل صد باهم‌آیی قرآنی است که بر اساس معیار بسامد از قرآن استخراج شده‌اند و مواردی از باب نمونه در این مقاله به بحث گذاشته شده‌است. پنج چالشی که در باهم‌آیی‌های قرآنی فراروی مترجم است، عبارتند از: ۱- برداشت نادرست از یک باهم‌آیی. ۲- تفاوت بین درست بودن و طبیعی بودن معادل‌ها در زبان فارسی. ۳- تفاوت ترتیب قرار گرفتن باهم‌آیی‌ها در زبان مبدأ و مقصد. ۴- رعایت وحدت معادل. ۵- یکسان‌سازی و هماهنگی در معادل‌ها و ترجمه واحد از باهم‌آیی‌های مختلف در قرآن. با عنایت به این چالش‌ها و راهکارهای پیشنهادی نگارندگان، می‌توان ترجمه‌های شیواتر و رساتر از قرآن ارائه کرد.

واژگان کلیدی: باهم‌آیی، ترجمه‌های معاصر قرآن، خطاها و چالش‌های ترجمه، زبان مبدأ، زبان مقصد.

* E- mail: amirifarm@gmail.com (نویسنده مسئول)

** E- mail: kroshanfekr@gmail.com

*** E- mail: kparvini@yahoo.com

**** E- mail: akord@modares.ac.ir

مقدمه

هرچند ترجمه به سبک علمی در جهان اسلام پیشینه‌ای دیرینه دارد، ولی هیچ‌گاه گسترده‌گی آن در حد امروز نبود و میزان آثار ترجمه به کثرت این دوران مشاهده نشده‌است. افزون بر ضرورت تسلط بر اصول ترجمه، به مهارت‌های دیگری نیاز است تا بتوان ترجمه‌ای مقبول ارائه داد. این مهارت‌ها که امروزه در قالب‌های مختلفی نظیر نظرها و نظریه‌های ترجمه، نظریه‌های ارزیابی و نقد ترجمه، مباحث زبان‌شناسی و مسایل فرهنگی در مباحث ترجمه مطرح شده، کار ترجمه را پیچیده‌تر کرده‌است. از آنجا که بسیاری از این مطالب، حاصل تجربه سال‌ها تلاش اندیشمندان در حوزه ترجمه است، عنایت به این مسایل در امر بهبود ترجمه قرآن و ارزیابی و نقد آن ضروری می‌نماید. از طرف دیگر، به برکت پیروزی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، اقبال مترجمان ایرانی به ترجمه قرآن بیش از پیش شده‌است. بر هیچ کس پوشیده نیست که نظریات نوین ترجمه، می‌تواند به بهبود ترجمه قرآن کمک کرده‌اند و راه را برای انتقال ترجمه‌های شیواتر از پیش هموار کند و در ترجمه قرآن، راهگشا، کاربردی و مفید واقع شود.

یکی از موضوعاتی که ترجمه پژوهان به نقش مهم آن در ترجمه اذعان کرده‌اند و رد پای آن تقریباً در تمام کتاب‌های ترجمه جدید به چشم می‌خورد، پدیده «باهم آیی» و مسئله محدودیت ترکیب‌پذیری واژگان درون یک زبان است. «باهم آیی» پدیده‌ای است که تعریفی مشخص و همگانی برای آن وجود ندارد، ولی می‌توان آن را بدین صورت تعریف کرد: «باهم آیی، وقوع دو یا چند واژه در کنار هم یا با فاصله کوتاهی درون یک پیکره زبانی است که از بسامد بالایی برخوردار است، به گونه‌ای که نتوان این وقوع را تصادفی دانست» (Sung, 2003, 17)؛ مثلاً در زبان فارسی، دو صفت «فاسد» و «گندیده» با همه شباهت معنایی، هم‌آیندهای مختلفی دارند و عرف زبان فارسی مشخص می‌کند که یکی با شیر (شیر فاسد) و دیگری با تخم‌مرغ (تخم‌مرغ گندیده) هم‌نشین می‌شود.

تفاوت‌های مربوط به الگوبندی باهم آیی در زبان‌های مبدأ و مقصد می‌تواند مشکلات بالقوه‌ای را در ترجمه ایجاد نماید. گاهی ممکن است مترجم به تفاوت معنایی یک کلمه بر

اثر همنشینی با یک کلمه خاص دیگر توجه نکند و باهم‌آیی مورد نظر را به صورت لفظ به لفظ ترجمه نماید و در زبان مقصد، ترکیبی ناشناخته تولید کند. توجه نکردن به الگوبندی زبان مقصد و تکیه بیش از حد بر الگوبندی متن مبدأ نیز می‌تواند ترکیب‌های ناآشنا و بیگانه با زبان مقصد تولید کند و در نتیجه، ارتباط مخاطب با متن ترجمه مختل شود.

در مقاله حاضر، ضمن مد نظر قرار دادن این چالش‌ها و بررسی نظری آن‌ها و ارائه مثال‌هایی تطبیقی برای هر مورد، به برخی از چالش‌های جدید در ترجمه باهم‌آیی‌های قرآنی اشاره شده است. جامعه آماری این پژوهش، باهم‌آیی‌های قرآنی از ده ترجمه معاصر قرآن؛ یعنی فولادوند (۱۳۷۳)، مشکینی (۱۳۸۱)، معزی (۱۳۷۲)، صفارزاده (۱۳۸۰)، مجتبیوی (۱۳۷۱)، حداد عادل (۱۳۹۲)، خرماهی (۱۳۷۴)، مکارم شیرازی (۱۳۷۳)، صفوی (۱۳۸۵) و پورجوادی (۱۴۱۴ ق.) است و سؤال این پژوهش عبارت است از: عوامل مؤثر در کاهش خطاهای ترجمه باهم‌آیی‌های قرآنی کدامند؟

۱. پیشینه پژوهش

- ملانظر معتقد است که توالی‌های خوش ساخت زنجیره‌واژه‌ها در زبان مبدأ ممکن است هنگام ترجمه به زبان مقصد بدساخت شود و این ناهنجاری توالی واژگانی به تفاوت‌های میان معانی باهم‌آیی یک واژه و معادل آن در زبان مقصد مربوط می‌شود (ر.ک؛ ملانظر، ۱۹۹۰ م: ۱۷). وی با بررسی هفت ترجمه از دو رمان انگلیسی، دلایل تولید باهم‌آیی‌های ناپذیرفته و میزان آن‌ها را مطرح می‌کند: الف) نادیده گرفتن احتمال باهم‌آیی در زبان مقصد: ۵۵ درصد. ب) ترجمه اشتباه: ۳۵ درصد. ج) اشتباه در نوع قرار گرفتن واژه‌ها: ۸ درصد (ر.ک؛ همان: ۱۵۴).

- روزگار سعی در شناسایی استراتژی‌های به کار رفته در ترجمه باهم‌آیی‌های لغوی قرآن در ترجمه‌های انگلیسی قرآن کرده است. وی تحقیق خود را به باهم‌آیی‌های لغوی بر اساس تقسیم‌بندی لارسون محدود کرده است و از استراتژی‌های نیومارک در تجزیه و تحلیل داده‌ها کمک گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که مترجمان روش ترجمه تحت‌اللفظی را بیش از دیگر روش‌های ترجمه باهم‌آیی‌ها در قرآن به کار گرفته‌اند.

- کفارش رودی و همکاران او به طبقه‌بندی و تحلیل خطاهای هماینها در ترجمه‌های انگلیسی قرآن پرداخته‌اند. آن‌ها به تجزیه و تحلیل خطاهای هماینها از طریق مدل کوردر اقدام کرده‌اند. آن‌ها خطاهای موجود در هماینها را در سه دسته هم‌آیندهای رایج و پذیرفته شده، ساختارهای نامناسب و استفاده نکردن از همایند تقسیم‌بندی نموده‌اند و برای بررسی میزان همنشینی دو واژه، از فرهنگ لغت‌های «Oxford Collocation Dictionary» و «Longman Dictionary Of Contemporary English» استفاده کرده‌اند. نگارندگان معتقدند که نتایج این تحقیق می‌تواند به مترجمان در زمینه استفاده از هماینها کمک شایان توجهی نماید.

- امیری فر و همکاران او به بررسی برخی از چالش‌های ترجمه باهم‌آیی در ترکیب‌های وصفی و اضافی پرداخته‌اند. مهم‌ترین این چالش‌ها عبارتند از: ترجمه‌های مختلف از باهم‌آیی‌های یکسان در قرآن، ترجمه واحد از باهم‌آیی‌های مختلف در قرآن و ترجمه تحت‌اللفظی باهم‌آیی‌های عربی متداول در فارسی. مقاله مذکور به بررسی ترجمه ۵۰ ترکیب از ترکیب‌های وصفی و اضافی در قرآن پرداخته‌است و با ذکر مثال‌هایی تطبیقی، درصدد تبیین این چالش‌ها برآمده‌است.

چنانکه از عناوین پژوهش‌های فوق برمی‌آید، برخی از این پژوهش‌ها به بررسی نقش باهم‌آیی در ترجمه رمان از انگلیسی به فارسی پرداخته‌اند و یا به ترجمه انگلیسی قرآن توجه کرده‌اند. اما پژوهش حاضر، ضمن اینکه نتایج این مقالات را مد نظر داشته‌است، یک دسته‌بندی از چالش‌های پیش روی مترجمان در برخورد با باهم‌آیی‌های قرآنی ارائه کرده که تاکنون در هیچ پژوهشی، این چالش‌ها در ترجمه‌های فارسی قرآن مد نظر نبوده‌است. شایان ذکر است که هر یک از چالش‌های مطرح در این مقاله، خود می‌تواند عنوان یک پژوهش مستقل باشد و در یک بررسی پیکره‌ای دقیق، ارزیابی شود.

۲. مبانی نظری پژوهش

در این پژوهش، تعریف نایدا از ترجمه مبنای کار واقع شده‌است. از نظر نایدا، «ترجمه عبارت است از بازسازی نزدیکترین معادل طبیعی زبان مبدأ در زبان مقصد؛ نخست از نظر

معنی و آنگاه از لحاظ سبک» (Nida, 1982: 12). این تعریف، علی‌رغم قدمت آن، هنوز هم جامع‌تر، ساده‌تر و کوتاه‌تر از اکثر تعریف‌های موجود است. نایدا با وقوف بر این حقیقت که بازسازی کامل متن مبدأ در زبان مقصد غیرممکن است، عبارت «نزدیکترین معادل طبیعی» را در تعریف خود به کار برده‌است. منظور وی از این سه واژه آن است که اولاً برای عناصر زبان مبدأ، «معادل» مناسب انتخاب شود و ثانیاً این معادل‌ها در زبان مقصد به نحوی آرایش یابند که حالت «طبیعی» داشته باشند و بوی ترجمه از آن استشمام نشود. نکته سوم که مربوط به واژه «نزدیکترین» است، برقراری تعادل بین معادل‌ها و حالت طبیعی ترجمه است.

در حوزه ترجمه باهم‌آیی‌ها نیز دیدگاه‌های نیومارک، لارسون و بیکر مبنای کار قرار گرفت. نیومارک به صورت نامنظم به این چالش‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید:

«ترجمه گاهی تلاش مداومی است برای پیدا کردن هم‌آیندهای مناسب؛ یعنی جریانی برای ربط اسم‌های مناسب به افعال و نیز افعال به اسم‌ها و در حالت دوم، همنشین کردن صفت‌های مناسب با اسم‌ها و قیدها یا هم‌آیند کردن گروه قیدی با افعال. در حالت سوم، هم‌آیند کردن کلمات و حروف ربط مناسب. اگر دستور زبان به مثابه استخوان‌بندی متن باشد، هم‌آیندها اعصاب آن هستند که در رساندن معنا، بسیار ظریف، چندجانبه و خاص هستند و واژگان نیز در حکم گوشت متن است» (نیومارک، ۱۳۸۶: ۲۷۹).

لارسن مهم‌ترین این چالش‌ها را «تفاوت در توالی‌های واژگانی در دو زبان»، «توالی‌های ثابت»، «باهم‌آیی‌های خاص» و «ناسازگاری باهم‌آیی» می‌داند (ر.ک؛ لارسن، ۱۹۸۴م: ۱۴۱-۱۴۴). بیکر یک دسته‌بندی مشخص از این چالش‌ها ارائه می‌کند: تأثیر جالب الگوبندی متن مبدأ، برداشت غلط از معنای یک ترکیب هم‌آیند در زبان مبدأ، تنش بین درست‌بودن و طبیعی بودن، هم‌آیندهای مختص فرهنگ و هم‌آیندهای نشاندار در متن مبدأ (بیکر، ۱۳۹۳: ۷۹-۶۹).

سه چالش نخست از مواردی که در این پژوهش مبنای کار قرار گرفته، از دیدگاه‌های نیومارک، لارسون و بیکر گرفته شده‌است و دو چالش دیگر نیز حاصل بحث و بررسی نگارندگان است.

۳. روش پژوهش

در مقاله حاضر، صد باهم‌آیی چالش‌برانگیز قرآنی بررسی شد که بسامدی بیش از سه بار در قرآن داشتند. این باهم‌آیی‌ها در مجموع ۷۰۲ بار تکرار شده‌است. این ترکیب‌ها، صرف نظر از نقش دستوری آن‌ها، در زبان انتخاب شده‌است. ترجمه آن از ده ترجمه فولادوند، مشکینی، معزی، صفارزاده، مجتوبی، حداد عادل، خرمشاهی، مکارم شیرازی، صفوی و پورجوادی استخراج و ارزیابی گردیده‌است. این ترجمه‌ها به عنوان نمایندگان روش‌های مختلف ترجمه، از میان ترجمه‌های معاصر قرآن کریم انتخاب شده‌است و در پایان، برای نشان دادن نقش این پدیده زبانی در ترجمه، چالش‌های ترجمه باهم‌آیی‌های قرآنی، ذیل پنج عنوان دسته‌بندی و برای هر یک، چند شاهد به نقد گذاشته شد.

۴. چالش‌های ترجمه باهم‌آیی‌های قرآنی

ترجمه متون مذهبی، به‌ویژه قرآن که از دو ویژگی تقدس و دقت در چینش واژگان برخوردار است، با ترجمه متون عادی متفاوت است. از این رو، ممکن است برخی از چالش‌های پیش روی مترجم در ترجمه این متن آسمانی نیز متفاوت باشد. پژوهش حاضر به این نتیجه رسیده که مهم‌ترین چالش‌های ترجمه هم‌آیندهای قرآنی به شرح ذیل است.

۴-۱) ترجمه نادرست از یک باهم‌آیی

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که ممکن است در ترجمه هم‌آیندها دامنگیر مترجم شود، درک نکردن معنای یک هم‌آیند است. شاید مترجم تازه‌کار و یا حتی مترجمی با سابقه به خیال اینکه بین واژگان دو زبان تناظر یک‌به‌یک وجود دارد، یک باهم‌آیی را به صورت لفظ به لفظ ترجمه، و ترجمه‌ای نادرست ارائه کند:

«مترجم ممکن است یک هم‌آیند را که در متن زبان مبدأ است، به آسانی غلط برداشت کند و علت آن هم تداخل زبان مادری اوست. این موضوع در مواردی اتفاق می‌افتد که هم‌آیندهای زبان مبدأ به نظر آشنا برسد و دلیل این نیز آن است که از نظر صورت و ساخت با یک هم‌آیند متداول در زبان مقصد تطابق داشته باشند» (بیکر، ۱۳۹۳: ۷۱).

پیش از اینکه در پی استخراج مصادیقی برای این عنوان باشیم، ذکر این نکته ضروری است که ترجمه‌های قرآن با سابقه‌ای بیش از هزار سال، آن‌قدر در کوره دقت مترجمان تفتت و پخته شده‌است که کمتر می‌توان ترجمه‌ای نادرست از یک باهم‌آیی قرآنی در میان ترجمه‌های قرآنی پیدا کرد. با وجود این، باز هم مواردی یافت می‌شود که مترجم یک باهم‌آیی قرآنی را به صورت لفظ به لفظ به فارسی برگردانده‌است و عملاً ترکیبی بی‌معنا و یا حتی مخالف معنای متن اصلی در ترجمه خود وارد کرده‌است که در ادامه به چند مورد اشاره می‌شود.

الف) «قاصرات الطرف»

این ترکیب، سه بار در قرآن آمده‌است:

| مشکینی | معزی | مکارم | فولادوند | آدرس | ترکیب |
|--|--|--|---------------------------|-----------------|--------------|
| زنانی خمارچشم و دیده از غیر همسر پوشیده، | کوتهمزگانی | همسرانی زیباچشم | [دلبرانی] فروهشته‌نگاه | (الصفات/ ۴۸) | قاصرات الطرف |
| زنانی نظر فروهشته از غیر شوهر | زنان کوته‌بینان مزگانی (که جز شوهر خویش را ننگرند) | همسرانی است که تنها چشم به شوهرانشان دوخته‌اند | [دلبران] فروهشته‌نگاه | (ص ۵۲) | |

| | | | | | |
|---|-------------------------------------|---|------------------------------------|---------------------------------------|--------------------------|
| زنانی که چشم از دیدن غیر همسر کوتاه‌بینان دارند و جز او به کسی عشق نورزند | کوتاه‌چشمی | زنانی که جز به همسران خود عشق نمی‌ورزند | [دلبرانی] فروهشته‌نگاهند | (الرحمن / ۵۶) | |
| صغوی | خرمشاهی | حداد عادل | پورجوادی | صفارزاده | مجتبوی |
| حوریانی چشم‌فروشد ته با نگاهی پرناز و کرشمه | دوشیزگان چشم‌فروهشته [قانع به همسر] | دوشیزگانی با چشمانی درشت و خممارآلوده | زنانی شوهر دوست | همسرانی که جز به شوهران خود نمی‌نگرند | زنان دیده‌فروهشته |
| همسرانی که فقط چشم به شوهران خود دارند و دیده از غیر آنان فروبسته‌اند | دوشیزگان چشم فروهشته [قانع به شوهر] | همسرانی که چشم از دیگران برگرفته‌اند | زنانی که تنها به شوی خود نظر دارند | همسرانی که چشم به مرد دیگری ندارند | زنان فروهشته‌چشم |
| همسرانی که چشم بر شوهران خود دوخته و دیده از غیر آنها فروبسته‌اند | [حوریان] چشم فروهشته [قانع به همسر] | زنانی با چشمانی خممارآلوده | زنانی که جز به شوی خود ننگرند | حوریانی با حجب و حیا و سر به زیر | زنان فروهشته‌چشم |

«قاصراتُ الطرفِ؛ ای حاسبات انظارهنّ حياء و غنجاً، و الطرف: العين» (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۳: ۳۳). لذا معنای «قاصرات الطرف» تنها در زیبایی خلاصه نمی‌شود، بلکه به معنای سربه‌زیر بودن همراه با حجب و حیا و با ناز و کرشمه است. معزی ترجمه‌های «زنان کوتاه‌بینان مژگانی» (که جز شوهر خویش را ننگرند) «معزی، ۱۳۷۲: ۵۲»، «کوتاه‌مژگان» (الصفات / ۴۸) و «کوتاه‌چشمانی» (الرحمن / ۵۶) را به عنوان معادل برای این ترکیب وارد کرده است. در لغت‌نامه دهخدا، «کوتاه‌بین» به معنای «تنگ‌نظر، تنگ‌چشم و کوتاه‌بین» وارد شده است و مثال‌هایی نیز از ادبیات فارسی آمده است. بنابراین، باهم‌آیی «کوتاه‌بین»، ترجمه لفظ به لفظ «قاصرات الطرف» است و نه تنها در فارسی وافی مقصود نیست، بلکه معنایی کاملاً متضاد با آنچه در متن قرآنی منظور شده، از این ترکیب در ترجمه برداشت می‌شود. دو تعبیر دیگری هم که معزی از این ترکیب وارده کرده، محل اشکال است؛ چراکه «کوتاه‌چشم» و «کوتاه‌مژگان» در زبان فارسی به معنای زیبایی و حجب و حیا کاربرد ندارد.

مشکینی نیز در آیه ۵۶ سوره الرحمن، تعبیر «زنانی که چشم از دیدن غیر همسر کوتاه‌بینان دارند و جز او به کسی عشق نورزند» را ارائه و از ترکیب «کوتاه‌بینان» در ترجمه استفاده کرده است و علی‌رغم اینکه سعی کرده ترجمه‌ای تفسیری و گویا ارائه کند، ولی دچار نوعی تکلف شده است و جمله‌ای نامفهوم در ترجمه این ترکیب آورده است که عبارت «کوتاه‌بینان»، اصلی‌ترین نقش را در این ضعف بیانی بازی می‌کند.

صفوی در یک مورد (الصفات / ۴۸)، با ترجمه «حوریانی چشم‌فروشته با نگاهی پُر ناز و کرشمه» سعی در حفظ معنای کامل این باهم‌آیی قرآنی در زبان فارسی داشته است و صفارزاده نیز این ترکیب را به صورت «حوریانی با حجب و حیا و سربه‌زیر» (الرحمن / ۵۶) ترجمه کرده است که به نظر می‌رسد این دو ترجمه به معنای کامل این ترکیب نظر داشته‌اند. فولادوند عبارت «دلبرانی [فروشته‌نگاه] را در مقابل این ترکیب آورده که به نظر می‌رسد از لحاظ موجز بودن در نوع خود بی‌نظیر است، ولی با توجه به پیکره‌های همشهری و عاصی و فرهنگ دهخدا / (دهخدا، ۱۳۳۴: ذیل واژه فروهستن)، واژه «فروهستن» در فارسی معیار، با «چشم» هم‌نشین نشده است. لذا این ترکیب در زبان فارسی جافتاده و متداول نیست.

مشکینی در یک مورد، «زنانی خمارچشم و دیده از غیر همسر پوشیده» و حداد عادل در دو مورد، «زنانی با چشمانی خمارآلوده» به زیبایی از هم آیند «چشم خمار» استفاده کرده‌اند. ترکیب (چشم خمار) در فارسی قدیم و جدید متداول است و می‌تواند معادلی موفق از بین معادل‌های مذکور به شمار رود.

ب) «إختلاف الليل و النهار»

بعضی از مفسران معتقدند که این «اختلاف» به همان معنای متعارف و امروزی اختلاف در زبان فارسی است (که اتفاقاً به همین معنا، جز در مورد شب و روز در قرآن سابقه کاربرد دارد؛ مانند: «إختلاف ألسنتکم»؛ یعنی مراد، تقابل و تفاوت آن‌هاست و شب و روز از این لحاظ که شب خاموش و آرام است و روز روشن و پرتکاپوست، با هم اختلاف دارند، ولی با توجه به آیه دیگری که می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً﴾ (الفرقان/ ۶۲)، معلوم می‌شود که مراد از اختلاف شب و روز، در پی یکدیگر آمدن آن‌هاست؛ زیرا «خلفه» به همین معنا در شعر جاهلی نیز به کار رفته است:

«بها العين و الأرام یمشین خلفه
و أطلاؤها ینهضن من کل مجثم»
(الزوزنی، ۱۹۹۲م: ۷۲).

زوزنی در شرح این بیت می‌نویسد: «و قوله: خلفه، أي یخلف بعضها بعضاً إذا مضى قطع منها جاء قطع آخر، و منه قوله تعالى: ﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً﴾ یرید أن کلاً منهما یخلف صاحبه، فإذا ذهب النهار، جاء الليل، وإذا ذهب الليل، جاء النهار» (همان).

بنابراین، مراد از این باهم آیی، اختلاف ظاهری نیست، بلکه مراد، «آمدوشد آن دو» است و از میان ده ترجمه بررسی شده در این مقاله، صفارزاده این عبارت را به صورت «تفاوت بین شب و روز [از لحاظ نور و ظلمت، حرکت روزانه و سکون شبانه و دیگر تفاوت‌ها]»، «تفاوت بین شب و روز دلایل آشکار [بر قدرت خداوند]»، «تفاوت شب و روز [که شب زمان استراحت و روز وقت کار است]» و تعبیری از این قبیل ترجمه کرده‌است و

فولادوند نیز آن را تنها در یک مورد به صورت «اختلاف شب و روز» (المؤمنون / ۸۰) ترجمه کرده است، ولی بقیه مترجمان از ترکیب های «آمد و شد شب و روز»، «گردش شب و روز»، «رفت و آمد شب و روز»، «در پی یکدیگر آمدن شب و روز» بهره جسته اند.

سیاری از مفسران قرآنی هر دو وجه اختلاف شب و روز و آمد و شد آن دو را در معنای «اختلاف اللیل و النهار» در نظر گرفته اند (ر.ک؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق.، ج ۲: ۷۸؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۲: ۷۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۵۱ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱: ۳۹۹)، ولی وجهی که مورد اتفاق تمام مفسران است و در تمام تفاسیر بدان اشاره شده، همان وجه پیاپی آمدن شب و روز است و برخی از مفسران هم تنها به ذکر همین وجه بسنده کرده اند (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق.، ج ۱: ۲۱۰).

ج) البأساء و الضراء

گاهی توجه به واژه هم آیند مشخص می کند که یک ترکیب را چگونه ترجمه کنیم؛ برای نمونه، باهم آیی «البأساء و الضراء» در ترجمه های قرآن به اشکال مختلف وارد شده است. ابن عاشور در ترجمه این ترکیب آورده است: «فالبأساء الشدة فی المال، و الضراء شدة الحال علی الإنسان مشتقة من الضرّ و یقابلها السراء و هی ما یسرّ الإنسان من أحواله» (ابن عاشور، بی تا، ج ۲: ۱۳۱). در پژوهش های فارسی به این تفاوت اشاره شده است:

«واژه "الضراء" اگر به همراه "بأساء" باشد، به معنای "زیان (جسمی)" است (مثل: البقره / ۱۷۷) و اگر همراه با "السراء" باشد، به معنای "سختی (و ناراحتی)" است (مانند آل عمران / ۱۳۴)؛ چراکه "بأساء" به معنای سختی است و قرینه مقابله در این دو معنا رعایت شده است» (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

هرچند برخی از مترجمان سعی در انتقال این مفهوم داشته اند و از عبارات های «پیشانی و رنجوری»، «سختی مالی و ضرر جسمی»، «تنگدستی و ناخوشی» و غیره استفاده کرده اند، ولی موارد زیادی نیز مشاهده می شود که مترجم به این مسئله توجهی نکرده است و «الضراء» را بدون توجه به هم آیند آن، به «تنگدستی و زیانکاری» (صفوی، ۱۳۸۸: البقره /

(۱۷۷)، «سختی و زیان» (فولادوند، ۱۳۷۳: البقره / ۱۷۷ و ۲۱۴)، «مرض، سختی، فقر و تنگدستی» (مشکینی، ۱۳۸۱: الأعراف / ۹۴) ترجمه کرده‌اند.

د) ملة إبراهيم حنیفاً

گاهی ممکن است نشناختن جایگاه نحوی یک کلمه در باهم آیی برای مترجم مشکل ساز شود. باهم آیی «ملة إبراهيم حنیفاً» از مواردی است که در ترجمه آن اختلافات فراوانی دیده می‌شود. نخست اینکه «حنیفاً» حال برای کدام یک از دو اسم پیش از خود است؟! خرمشاهی در ترجمه‌اش هر دو صورت را لحاظ کرده، آن را به صورت‌های «آیین ابراهیم که پاک‌دین بود» (آل عمران / ۹۵)، «آیین پاک ابراهیم» (النساء / ۱۲۵ و الأنعام / ۱۶۱)، «آیین ابراهیم پاک‌دین» (البقره / ۱۳۵) و «آیین ابراهیم» (النحل / ۱۲۳) ترجمه کرده‌است؛ یعنی در دو ترجمه، «حنیفاً» حال برای ابراهیم و در دو ترجمه، حال برای «ملة» است و در آخرین مورد هم واژه «حنیفاً» ترجمه نشده‌است. مکارم شیرازی نیز در آیه ۱۶۱ انعام و ۱۲۳ نحل، «حنیفاً» را حال برای ابراهیم در نظر گرفته‌است: «آیین ابراهیم که از آیین‌های خرافی روی برگرداند» و «آیین ابراهیم که ایمانی خالص داشت». در سه مورد دیگر، آن را حال برای «ملة» به‌شمار آورده‌است و بقیه مترجمان (فولادوند، معزی، مشکینی، مجتبوی، صفارزاده، حداد عادل و صفوی) «حنیفاً» را حال برای «إبراهیم» ترجمه کرده‌اند. مراجعه به تفاسیر قرآن نشان می‌دهد که «حنیفاً» حال برای «إبراهیم» است: «حَنِيفًا: ذكروا أنه منصوب على الحال من إبراهيم؛ أي في حال حنيفيته، قاله المهدوي وابن عطية و الزمخشري وغيره» (اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۶۴۶). هرچند در این زمینه، می‌توان ذوالحال را مضاف‌إلیه نیز دانست، ولی باید بدین نکته توجه داشت که در مواردی که فعل به معنای فاعل باشد، باید با ذوالحال از نظر جنس مطابقت کند. بنابراین، اصل بر این بود که اگر «حنیفاً» حال برای «ملة» باشد، به صورت مؤنث (حنيفة) وارد شود.

معزی در یک مورد از باهم آیی «ملت ابراهیم یکتاپرست» استفاده کرده‌است که این ترجمه جای تأمل دارد؛ چراکه در زبان فارسی، ملت به معنی «دین» رایج نیست و این برای مخاطبی که با زبان عربی آشنایی کافی ندارد، مبهم خواهد بود.

۲-۴) تفاوت بین درست بودن و طبیعی بودن

چالش دوم که مهم‌ترین چالش در ترجمه هم‌آیندهاست، این است که گاهی مترجمان در ترجمه یک باهم‌آیی، به رواج آن در زبان مقصد توجهی نمی‌کنند و باهم‌آیی‌های معادل و نزدیکی را که در زبان مقصد وجود دارد، نادیده گرفته، الگوهای باهم‌آیی زبان مقصد را رعایت نمی‌کنند. نیومارک می‌نویسد: «اینکه هم‌آیندی شناخته‌شده و رایج باشد، تا آنکه صرفاً قابل قبول باشد، یکی از مهم‌ترین مسایل ترجمه است» (نیومارک، ۱۳۸۶: ۲۷۹). به اعتقاد وی، باهم‌آیی یک فرایند واژگانی نه دستوری، بلکه حاشیه‌ای در زبان است و زمانی که یک مترجم باهم‌آیی‌های کاملاً رایج و نیز مشترک را در متون زبان مبدأ و مقصد می‌یابد، ضروری است که آن‌ها را به کار ببرد (ر.ک؛ همان: ۱۱۴).

مترجم در ترجمه هم‌آیندهای زبان مبدأ که بی‌نشان هستند، معمولاً سعی دارد تا هم‌آیندی خلق نماید که در زبان مقصد، طبیعی و رایج است و همزمان نیز معنای مربوط به هم‌آیند مبدأ را حفظ نماید، ولی همیشه نمی‌توان به این ایده آل دست یافت. بی‌شک رسیدن به درستی و صحت در ترجمه، هدف مهمی است، ولی به خاطر داشتن این نکته نیز مهم است که استفاده از الگوهای متداول زبان مقصد که برای خواننده زبان مقصد آشنا است، نقش مهمی در باز نگه داشتن مجاری ارتباط ایفا می‌کند. همچنین، کاربرد الگوهای باهم‌آیی رایج کمک می‌کند تا تفاوت بین ترجمه روان (یعنی ترجمه‌ای که خواننده نیاز نداشته باشد تا بی‌نتیجه به بی‌ظرافتی‌های نامربوط زبانی بپردازد)، و یک ترجمه ناشیانه (که خواننده را با این برداشت روبه‌رو می‌سازد که مترجم نالایق و بی‌تجربه است)، آشکار شود (ر.ک؛ بیکر، ۱۳۹۳: ۷۱-۷۲).

وقتی در یک متن با باهم‌آیی‌های ناآشنا مواجه می‌شویم، علاوه بر اینکه متن مورد نظر خوشخوان و شیوا نخواهد بود، ممکن است در انتقال معنی نیز با کاستی مواجه باشد. ترجمه‌ای که هم‌آیندهای متداول زبان مقصد را رعایت نکرده‌است، برای مخاطب فارسی‌زبان در مقام یک متن مشوش ظاهر شده، برقراری ارتباط با آن دشوار می‌شود. نکته دیگر اینکه این ترکیب‌ها در شکل‌گیری نظام فکری ما بسیار تأثیرگذار هستند. شفیع

کد کنی با بیانی دیگر به نقش باهم آیی‌ها در شکل‌گیری نظام فکری ما اشاره کرده‌است: «تأثیر هنری جادوی مجاورت، در شاهکارهای ادبی جهان و در کتب مقدس عالم، و در صدر همه آن‌ها قرآن کریم، امری است که هیچ کس از آشنایان در آن تردیدی ندارد. وقتی به مجموعه تأثیرات این جادوی مجاورت می‌اندیشیم، متوجه می‌شویم که این‌ها چه نقش بزرگی در شکل دادن نظام فکری و فرهنگی ما داشته‌اند و این چیزهایی که ما منظومه تفکر اجتماعی خود را بر اساس مجموعه آن‌ها شکل داده‌ایم، بخش عظیمی از آن، برخاسته از جادوی مجاورت است. در شکل‌گیری بسیاری از حکمت‌ها، مثل‌ها و فرمایش‌های بزرگان که اگر نظام آوایی زبان فارسی یا عربی، به گونه‌ای دیگر بود و جادوی مجاورت، در شکل‌های دیگری خود را می‌توانست نشان دهد، بی‌گمان آن حکمت‌ها، مثل‌ها و فرمایش‌های بزرگان می‌توانست معنایی عکس معنای کنونی داشته باشد و چه بسیار از معیارهای ارزشی ما، به نوعی دیگر ظهور می‌کرد و برعکس معیارهای ارزشی امروز ما می‌شد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۷: ۱۵-۲۶).

به‌طور کلی، الگوهای هم‌آیندی که سابقه وقوع در یک زبان را دارند، بخشی از خزانه زبانی معیار ما می‌شوند و ما هنگام دیدن آن‌ها در یک متن، برای اندیشیدن درباره آن‌ها مکث نمی‌کنیم. در مقام مقایسه، آن باهم آیی‌هایی که سابقه وقوع کمی در زبان ما دارند و یا اصلاً در زبان واقع نمی‌شوند، توجه ما را به خود معطوف می‌دارند و چون غیرطبیعی هستند، ما را به تفکر وامی‌دارند و در قرائت و درک متن وقفه ایجاد می‌کنند.

۴-۲-۱) أجر غیر ممنون

مترجمان قرآنی برای باهم آیی «أجر غیر ممنون» معادل‌های زیادی آورده‌اند که از باب مثال به موارد زیر اشاره می‌شود: «پاداش بی‌پایان»، «پاداشی بی‌منت»، «پاداشی دایمی»، «پاداشی قطع‌نشدنی»، «پاداشی تمام‌نشدنی»، «پاداشی عظیم و همیشگی»، «مزد بی‌منت (بی‌پایان)»، «مزدی بی‌پایان»، «پاداشی بی‌منت و بی‌پایان»، «پاداشی بی‌منت و بی‌نهایت» و غیره.

| مشکینی | معزی | مکرم | فولادوند | آدرس | ترکیب |
|--------------------------------|-------------------------------|--------------------------------|--------------------|--------------------------------|---|
| پاداشی بی منت و بی پایان | مزدی بی منت (یا بی پایان) | پاداشی دایمی | پاداشی بی پایان | فصلت / ۸ | أجر غیر ممنون |
| پاداشی بی منت و بی نهایت | مزدی بی پایان (یا بی منت) | پاداشی قطع نشدنی | پاداشی بی منت | الإنشاق / ۲۵ | أجر غیر ممنون |
| پاداشی بی منت و بی پایان | مزدی بی پایان | پاداشی تمام نشدنی | پاداشی بی منت | التین / ۶ | أجر غیر ممنون |
| پاداشی بی منت و بی پایان | مزدی بی منت (یا بی پایان) | پاداشی عظیم و همیشگی | پاداشی بی منت | القلم / ۳ | أجر غیر ممنون |
| صفوی | خرمشاهی | حداد عادل | پورجوادی | صفارزاده | مجتبوی |
| پاداشی بی منت | پاداشی ناکاسته (بی منت) | مزدی بی منت و بی نهایت | پاداشی بی پایان | پاداشی قطع نشدنی و ابدی | مزدی بی پایان - قطع نشدنی یا ناکاسته یا بی منت |
| پاداشی بی منت | پاداشی ناکاسته (بی منت) | پاداشی بی پایان | پاداشی بی پایان | پاداش ماندگار [بهشت] | مزد بی پایان - یا بی منت |
| پاداشی بی پایان | پاداشی ناکاسته (بی منت) | پاداشی بی منت و بی نهایت | پاداش بی پایان | پاداش همیشه ماندگار بهشت | مزدی بی پایان - یا بی منت |
| پاداشی پایان ناپذیر | پاداشی ناکاسته (بی منت) | پاداشی بی پایان | پاداشی بی پایان | پاداشی بزرگ و ماندگار | مزد بی پایان |

طبق برداشت تفاسیر قرآنی، «أجر غیر ممنون» می تواند به هر دو معنای «اجری بی پایان» یا «اجری بی منت» باشد و هر دو معنا از این ترکیب برداشت شده است. فولادوند در سه مورد، آن را به صورت «پاداشی بی منت» و در یک مورد، آن را به صورت «پاداشی

بی‌پایان» ترجمه کرده است و ظاهراً نتوانسته از بین دو ترجمه، یکی را بر دیگری ترجیح دهد. حداد عادل در دو مورد، «مزدی بی‌منت و بی‌نهایت» و در دو مورد، «پاداشی بی‌پایان» را آورده است.

از میان معادل‌های مختلفی که برای ترجمه این هم‌آیند قرآنی وارد شده، تنها ترکیب «مزد بی‌منت» در فارسی به صورت یک هم‌آیند شناخته شده متداول است. البته این بدان معنی نیست که بقیه ترکیب‌ها نادرست است، بلکه ترکیب‌های دیگر، طبیعی نیست.

دهخدا (۱۳۳۴: ذیل واژه مزد) در فرهنگ خود «مزد و منت» را نمونه‌ای از اتباع می‌داند و مثال‌هایی از کاربرد این ترکیب را در ادبیات فارسی می‌آورد:

«بی‌مزد بود و منت، هر خدمتی که کردم
یا رب مباد کس را، مخدوم بی‌عنایت»
(حافظ شیرازی).

همچنین، او عبارت‌های «نه مزد است و نه منت» و «هم مزد است و هم منت» را در فرهنگ خود می‌آورد. ورود این ترکیب‌ها در این فرهنگ فارسی، نشان از میزان همنشینی دو واژه «مزد و منت» در زبان فارسی دارد. ترکیب‌های دیگری که در ترجمه‌های قرآنی وارد شده، حتی «پاداش بی‌منت»، از نظر میزان مأنوس بودن به پای این ترکیب نمی‌رسند. «مزد و منت» در تعبیرهای دیگری نیز در ادبیات فارسی در کنار هم آمده است که نشان از میزان هم‌آیندی این دو واژه دارد:

«خدمت مخلوق کن بی‌مزد و بی‌منت، بهار
ای خوش آن بینا که روزی دست نابینا گرفت»
(بهار).

۴-۲-۲) ترتیب قرار گرفتن باهم‌آیی‌ها در زبان مقصد

در زبان فارسی، ترکیب «پست و بلند» داریم و این ترکیب در نوشتار و گفتار ما رایج است، ولی ترکیب «بلند و پست» را به کار نمی‌بریم. همچنین است ترکیب‌هایی مثل: «ترش و شیرین»، «زشت و زیبا»، «عجیب و غریب». از این نمونه ترکیب‌ها در زبان فارسی بسیار زیاد است که تنها یک شکل خاص آن‌ها متداول است و دیگر اشکال آن نه تنها متداول نیست، بلکه کاربرد آن‌ها حس بیگانگی را در اهل زبان برمی‌انگیزد. خرمشاهی به نقل از صلح‌جو می‌نویسد:

«ما نمی‌دانیم که چه اتفاقی یا چه عاملی سبب شده است که انگلیسی‌زبان‌ها در ترکیب دو وسیله غذاخوری، یعنی «قاشق و چنگال»، ابتدا چنگال و آنگاه قاشق را آورده‌اند. آن‌ها گفته‌اند: Fork and spoon. اما ما گفته‌ایم: قاشق و چنگال. دلیل پیدایش این دو ترکیب متفاوت، مهم نیست. مهم این است که آنچه این دو کلمه را برای ما به صورت متن (خرده‌متن نه کلان‌متن) درمی‌آورد، ترکیب «قاشق و چنگال» است، نه صورتی دیگر» (خرمشاهی، ۱۳۹۱: ۳۲۸).

این سه کلمه را با آرایش‌های دیگری نیز می‌توان کنار هم چید و یا حتی معنی آن را فهمید، اما واقعیت آن است که آرایش‌های دیگر برای فارسی‌زبانان متن نیست، و آنچه متن نباشد، به راحتی درک و جذب نمی‌شود. نکته مهم اینکه ما پس از آگاهی از آرایش این عبارت در زبان انگلیسی، در جریان ترجمه، نیامدیم ترکیب خودمان را به هم بزنیم و بگوییم «چنگال و قاشق». درباره ترجمه هم‌آیندهای قرآنی نیز این امر صادق است و هم‌آیندهایی در قرآن داریم که ترتیبی غیر از ترتیب اصلی آن در فارسی متداول است.

الف) الآخرة و الأولى

مکارم شیرازی، مشکینی، صفارزاده و صفوی ترجمه «آخرت و دنیا» را برای این ترکیب به کار برده‌اند. این ترکیب بدین گونه در زبان فارسی متداول نیست و مخاطب فارسی‌زبان با این ترکیب به خوبی ارتباط برقرار نمی‌کند. این در حالی است که آقایان

حداد عادل، فولادوند و پورجوادی به ترتیب متداول این باهم‌آیی در زبان فارسی توجه کرده‌اند و هم‌آیند «دنیا و آخرت» را به کار برده‌اند.

ب) لعب و لهو

باهم‌آیی «لَعِبٌ و لهو»، ۴ بار در قرآن با همین ترتیب وارد شده که به نظر می‌رسد این ترتیب در زبان عربی طبیعی است و بسامد آن در قرآن نیز شاهدهی بر این امر است. اما در زبان فارسی، ترتیب مذکور پذیرفته نیست و هرچند به نظر می‌رسد این ترکیب از رهگذر ترجمه از زبان عربی به فارسی وارد شده، ولی در این میان، ترتیب آن در زبان فارسی تغییر یافته، به صورت «لهو و لعب» در زبان فارسی متداول شده است. فولادوند در یک مورد (محمد / ۳۶) که اقدام به اقتباس این باهم‌آیی در زبان فارسی کرده، به ترتیب این باهم‌آیی در زبان فارسی توجه داشته، شکل معمول آن را به کار برده است.

۴-۲-۳) رعایت وحدت معادل، یکسان‌سازی و هماهنگی در معادل‌ها

معادل‌یابی در ترجمه، کاری لازم، دقیق و طاقت‌فرسا، و همسان‌سازی معادل‌های کلمات، کاری دشوارتر است، ولی به هر حال، ضروری است؛ چراکه این همسان‌سازی، نظم کلمات و آیات و همگونی آن‌ها را در ترجمه منعکس می‌کند و یکی از نقدهایی که معمولاً به ترجمه‌ها زده می‌شود، رعایت نکردن این قاعده است. ترجمه یک باهم‌آیی در جای‌جای متن قرآن به صورت واحد، نشان از دقت مترجم و انسجام ترجمه دارد. انتظار می‌رود هر مترجم در معادل‌گزینی باهم‌آیی‌ها ثبات داشته باشد و از آوردن معادل‌های متفاوت و ناهمگون در ترجمه یک ترکیب یکسان، خودداری کند. این مسئله پیش از این نیز در پژوهش‌هایی مطرح شده، ولی در سطح باهم‌آیی کمتر بدان توجه گردیده است.

خرمشاهی بدین مهم اشاره کرده است که «آیات و عبارات یکسان و مشابه - به شرط آنکه معنای همسان یا همانند داشته باشند - الزامی است که همسان و مشابه ترجمه شود» (ر.ک؛ خرمشاهی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۹۹). جواهری ساختاری نو در ارزیابی ترجمه‌های قرآن ارائه کرده است و یکی از مؤلفه‌های اصلی در ارزیابی ترجمه‌های قرآن را «یکسان‌سازی و

رعایت هماهنگی در سراسر قرآن می‌داند و معتقد است که در ارزیابی ترجمه قرآن، باید این مهم را مد نظر قرار داد (ر.ک؛ جواهری، ۱۳۸۹: ۲۲۳-۲۲۴).

الف) الیوم الآخر

مکارم شیرازی ترجمه‌های «روز رستاخیز» (نُه مورد)، «روز قیامت» (شش مورد)، «روز بازپسین» (چهار مورد)، «روز دیگر» (آل عمران/ ۱۱۴)، «روز جزا» (سه مورد)، «روز واپسین» (یک مورد) را از باهم‌آیی «الیوم الآخر» ارائه کرده است. حال آنکه «امانت‌داری در ترجمه و تلاش برای ارائه برگردانی که - تا حد ممکن - حداکثر شباهت به قرآن را واجد باشد، اقتضا می‌کند که در ترجمه قرآن، مشابهات قرآن را از جهات مختلف بجوییم و یکسان ترجمه کنیم؛ چراکه این‌ها در اصل قرآن یکسان‌اند» (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۵). ضمن اینکه ترجمه «روز دیگر» از ترکیب «الیوم الآخر» ترجمه‌ای نادرست بوده، ترجمه عبارت «الیوم الآخر» است. ترجمه‌های دیگر نیز که باید یکسان باشند، بسیار مشوش و مختلف است و جز «روز بازپسین» و «روز واپسین» تقریباً هیچ اشاره‌ای به بار معنایی واژه «الآخر» ندارد.

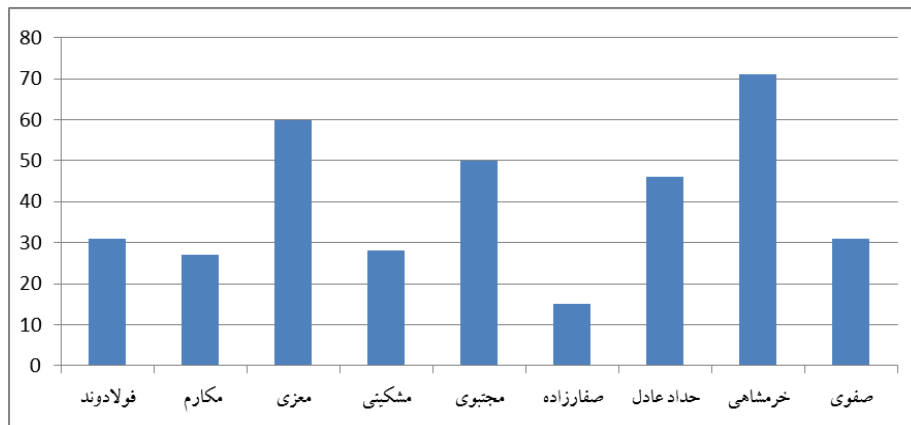
مترجمان دیگر نیز از این قاعده مستثنا نیستند، ولی خرمشاهی از این باهم‌آیی، ترجمه یکسان «روز بازپسین» را در سراسر قرآن ذکر کرده است و حداد عادل نیز جز یک مورد (الأحزاب / ۲۱) که عبارت «روز قیامت» را به کار برده، بقیه موارد را به صورت همسان به «روز بازپسین» ترجمه کرده است. البته خرمشاهی می‌کوشد در ترجمه عبارات یکسان، وحدت را رعایت کند و این یکی از نقاط قوت ترجمه خرمشاهی به شمار می‌رود. ترجمه حداد عادل نیز از این حیث به ترجمه خرمشاهی شباهت دارد، ولی رنگ و بوی تقید به زبان فارسی در ترجمه حداد عادل چشمگیرتر است؛ مثلاً وی باهم‌آیی «أصحاب الیمین» را در سرتاسر قرآن به صورت «نیک‌بختان» ترجمه کرده، حال آنکه خرمشاهی آن را به همان صورت «اصحاب یمین» آورده است و یا ترکیب «علم‌الیقین» را حداد عادل به صورت «دانستنی یقینی»، «عین‌الیقین» را «دیدنی یقینی» و «حق‌الیقین» را «حقیقتی یقینی» ذکر کرده، ولی خرمشاهی همه این‌ها را به همان صورت عربی آورده است.

ب) وجه الله

اساساً ترجمه‌های تحت‌اللفظی در معادل‌یابی برای باهم‌آیی‌های قرآنی دقت نظر بیشتری داشته‌اند. لذا تنوع در ترجمه یک باهم‌آیی یکسان در این گونه ترجمه‌ها کمتر به چشم می‌خورد. ترجمه‌های تحت‌اللفظی، به‌ویژه ترجمه معزی، در ارائه ترجمه یکسان از باهم‌آیی‌های قرآنی، گاهی راه غلو را در پیش گرفته‌اند، به‌گونه‌ای که در مواردی، ترجمه‌های آن‌ها با نوعی کژتابی همراه شده‌است؛ برای نمونه، می‌توان به باهم‌آیی «وجه الله» اشاره کرد که در ترجمه معزی به «روی خدا» ترجمه شده‌است. هرچند یکسان‌سازی و توجه خاص وی به واژگان اصیل فارسی و تکیه بر ترجمه‌های قدیمی از ویژگی‌های مهم ترجمه معزی و از نقاط قوت این ترجمه محسوب می‌شود، ولی به نظر می‌رسد وی در این یکسان‌سازی دچار برخی از لغزش‌ها شده‌است. در آیه ﴿إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ﴾ جز این نیست که می‌خورانیم شما را برای روی خدا ﴿(الإنسان / ۹)﴾. به نظر می‌رسد استفاده از ترکیب «روی خدا» در انتقال معنا کژتاب است و مخاطب را اندکی دچار مشکل خواهد کرد.

معزی در ترجمه خود، عبارت‌های «مثقال ذرة»، «أقسموا بالله جهد أيمانهم»، «الدار الآخرة»، «يوم الحساب»، «يوم الدين»، «أجل مسمى»، «اليوم الآخر»، «الحياة الدنيا» و غیره را به صورت یکسان ترجمه، و از کمترین افزوده‌های تفسیری برای توضیح آن استفاده کرده‌است. بی‌شک این هماهنگی به سبک ترجمه معزی، یعنی ترجمه تحت‌اللفظی برمی‌گردد. به‌طور کلی، ترجمه‌های تحت‌اللفظی در برابریابی، دقت بیشتری دارند، برخلاف ترجمه‌های تفسیری که در این میان، به افزوده‌های تفسیری تکیه کرده‌اند و از این رو، تنوع ترجمه‌های آن‌ها از یک باهم‌آیی در قرآن، فراوان به چشم می‌خورد، چون آن‌ها دغدغه محدودیت الفاظ و کلمات را در ترجمه خود احساس نکرده‌اند تا خود را ملزم به برابرنهاده‌ای کوتاه و رسا کنند، بلکه هرگاه در تنگنا قرار گرفته‌اند، دست به دامن افزوده‌های تفسیری شده‌اند. امانی و همکاران او این امر را از نقاط قوت ترجمه‌های تحت‌اللفظی برشمرده‌اند: «ترجمه‌های تحت‌اللفظی از میان موارد یادشده، یکسان‌سازی در ترجمه اسم را رعایت می‌کنند که این مسئله می‌تواند از نقاط قوت این ترجمه‌ها به حساب

آید» (امانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴۸). در نمودار زیر، میزان هماهنگی در ترجمه باهم آیی های یکسان در ترجمه های مختلف نشان داده شده است:



کریمی نیا علت آشفتگی در ترجمه عبارات یکسان به صورت های مختلف را ناشی از شتاب مترجمان در ترجمه می داند: «یک علت برای رعایت نشدن یکسانی و هماهنگی در ترجمه قرآن، شتاب مترجمان در کار و ناآگاهی از مواضع جملات و آیات مشابه است... کسانی که بر آیات مشابه قرآن و انواع هماهنگی های آن احاطه کافی ندارند، یا فرصت و توان مراجعه به المعجم المفهرس الفاظ و ادوات و حروف قرآن را ندارند و واژه های تک معنا یا ترکیبات، جمله ها و آیات نظیر را به گونه های مختلف ترجمه می کنند، در کار خود موجه و دور از بازخواست نیستند» (کریمی نیا، ۱۳۸۹: ۲۳۹).

به طور کلی، مترجمان باید در ترجمه ساخت ها و باهم آیی های قرآنی، معادل یابی دقیق از پیش انجام دهند و بر اساس آن، سراسر ترجمه یکسان سازی شود.

۴-۲-۴) ترجمه واحد از باهم آیی های مختلف در قرآن

حداد عادل یکی از مشکلات ترجمه قرآن را که هنوز حل نشده، بدین صورت مطرح می کند:

«هنوز خیلی از مشکلات در ترجمه قرآن حل نشده است؛ به عنوان مثال، ما در ترجمه اسماء الهی هنوز بین مترجمان به یک وحدت نرسیده ایم. درباره اسماء، تکلیف ما چیست؟ معادل فارسی کلمه "حکیم" در قرآن چیست؟ معادل فارسی "مُهَیْمِن" چیست؟ بالأخره کلمه "وکیل" را درباره خداوند در فارسی باید چه بگوییم؟! مثلاً بعضی وکیل را به معنای "کارگزار" ترجمه کرده اند، بعضی "کارساز" و بعضی "نگهبان". اگر نگهبان گفتید، آنجا که "حفیظ" را نگهبان می گویند، تکلیف چیست؟! فرق این ها چیست؟! ما نمی توانیم برای چند اسم الهی یک معادل به کار ببریم؛ زیرا معنایش این است که ما تفاوت آن ها را نادیده گرفته ایم» (حداد عادل، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

این مشکل در باب ترجمه باهم آیی های قرآنی نیز مطرح است. گاهی در قرآن، یک کلمه با هم آیندهای مختلفی به کار رفته است، لیکن این باهم آیی ها از نظر دلالتی، در بر دارنده تفاوت هایی است که معمولاً مترجمان با این باهم آیی های مختلف در ترجمه، برخورد یکسانی داشته اند. از جمله این باهم آیی های قرآنی، ترکیب های مختلفی است که بر روز قیامت دلالت دارد؛ مثلاً باهم آیی های «یوم الآزفة»، «یوم البعث»، «یوم الجمع»، «یوم الحسرة»، «یوم الدین»، «یوم الفصل»، «یوم القیامة» و «یوم التلاق» را پورجوادی به صورت «روز قیامت» ترجمه کرده است. البته این امر به یک مترجم خاص اختصاص ندارد و بسیاری از مترجمان، این ترکیب های گوناگون را یکسان ترجمه کرده اند.

این ترکیب های مختلف که همگی بر روز قیامت دلالت دارد، در عین وحدت مفهومی، معنای خاصی را می رساند. شایسته است مترجم این تفاوت دلالتی را مد نظر قرار دهد و تا حد امکان آن را در ترجمه خود لحاظ کند و بهترین معادل را برای آن در نظر بگیرد؛ زیرا بی شک این تعبیرهای مختلف از روز قیامت هدفمند است. فرحات می نویسد:

«هرچند ممکن است این اصطلاحات بسیار، از نظر دلالت بر یک ذات واحد با یکدیگر همسان باشند، ولی از نظر صفت های مختلف، تکمیل کننده یکدیگرند و انبوه این اصطلاحات بر این امر حکایت دارد که امور غیبی که ادراک آن از

طریق حواس پنجگانه میسر نیست، نیازمند این توصیفات متعدد است تا آن را به تصور نزدیک کند» (فرحات، ۲۰۰۵م: ۴۷).

برخی از مترجمان نیز تلاش کرده‌اند هر یک از ترکیب‌ها را به گونه‌ای ترجمه کنند که معنای خاص آن ترکیب را به زبان فارسی منتقل کنند و در بیشتر موارد، دست به دامان افزوده‌های تفسیری شده‌اند و کوشیده‌اند با یک جمله بلند یا چند جمله، معنای خاص یک ترکیب را برسانند. صفوی در ترجمه «یوم الفصل» آورده است: «روز جدایی که با داوری خداوند، حق از باطل و مجرمان از مؤمنان جدا می‌شوند» (الصافات / ۲۱). وی در جایی دیگر می‌گوید: «روز قیامت که روز جداسازی حق از باطل و تمایز تقوای پیشگان از مجرمان است» (الدخان / ۴۰). موارد دیگر از این قبیل در ترجمه مشکینی و صفوی نیز زیاد است. این افزوده‌های تفسیری، علاوه بر اینکه متن را از روانی و خوشخوانی انداخته است، به تفسیر نزدیک‌تر است تا ترجمه.

نتیجه‌گیری

طبق مطالعات انجام‌شده، مهم‌ترین چالش‌های ترجمه در باهم‌آیی‌های قرآنی عبارتند از:

۱. تنش بین درست بودن و طبیعی بودن
- در ترجمه باهم‌آیی‌های قرآنی، درست بودن یا نادرست بودن مطرح نیست، بلکه مسئله مهم‌تر، طبیعی یا غیرطبیعی بودن است که این امر در تعریف‌های ترجمه نیز مد نظر بوده است و در ترجمه‌های قرآنی کمتر رعایت شده است.
۲. تفاوت در ترتیب قرار گرفتن باهم‌آیی‌ها در دو زبان مبدأ و مقصد
- برخی از باهم‌آیی‌ها در زبان مقصد، با ترتیبی غیر از ترتیب موجود در زبان مبدأ رایج است. مترجم باید این مسئله را مد نظر قرار دهد و سعی کند ترتیب یک باهم‌آیی بر اساس الگوی رایج در زبان مقصد را رعایت کند.
۳. رعایت وحدت معادل، یکسان‌سازی و هماهنگی در معادل‌ها

یکسان‌سازی معادل‌ها، علاوه بر اینکه از نقاط قوت یک ترجمه محسوب می‌شود، می‌تواند در انسجام متن نیز نقش چشمگیری داشته باشد.

۴. ترجمه واحد از باهم آیی‌های مختلف در قرآن

بی‌شک تعدد تعابیر در زبان مبدأ، هدفمند است و هر چند از نظر محتوایی به یک مفهوم اشاره دارند، ولی از نظر ارائه تصاویر گوناگون از یک پدیده، مکمل یکدیگرند.

۵. برداشت نادرست از یک باهم آیی قرآنی و در نتیجه، ترجمه اشتباه آن در زبان فارسی

البته این امر، کمتر در ترجمه قرآن رخ می‌دهد؛ چراکه ترجمه‌های قرآنی، علاوه بر اینکه سابقه‌ای بیش از هزار سال دارند و نمونه‌های بسیاری نیز از پیش در دسترس است، بحث و بررسی درباره واژگان و ترکیب‌های آن‌ها در تفاسیر قرآن، راه را برای ارائه ترجمه‌ای کم‌خطا هموار کرده‌است.

منابع

ابن عاشور، محمدبن طاهر. (بی تا). *التحریر و التنویر*. بیروت - لبنان: مؤسسة التاریخ العربی. امیری فر، محمد و همکاران. (۱۳۹۵). «چالش‌های ترجمه در باهم آیی‌های قرآنی (بررسی موردی: ترکیب‌های وصفی و اضافی)». *دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*. د ۳. ش ۵. صص ۱-۲۶.

اندلسی، ابوحیان محمد. (۱۴۲۰ق). *البحر المحیط فی التفسیر*. بیروت: دار الفکر. بیکر، مونا. (۱۳۹۳). *به عبارت دیگر*. چ ۱. تهران: انتشارات رهنما. پورجوادی، کاظم. (۱۴۱۴ق). *ترجمه قرآن*. چ ۱. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی. حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۹۲). *ترجمه قرآن*. چ ۱. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی. حدادعادل، غلامعلی. (۱۳۸۶). «ترجمه فارسی قرآن کریم در گفت و گو با دکتر غلامعلی حدادعادل». گفت و گوکننده مرتضی کریمی نیا. *ترجمان وحی*. س ۱۱. ش ۱. صص ۷۷-۱۴۰.

_____ . (۱۳۹۲). *ترجمه قرآن*. چ ۱. مشهد: چاپخانه آستان قدس رضوی.

- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۹۱). *ترجمه کاوی*. چ ۲. تهران: انتشارات ناهید.
- _____ . (۱۳۷۸). *ترجمه قرآن*. چ ۸. تهران: دوستان.
- _____ . (۱۳۸۹). *قرآن پژوهی*. چ ۴. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۳۴). *لغتنامه فارسی*. تهران: چاپخانه مجلس شورای ملی.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۱). *منطق ترجمه قرآن*. چ ۲. تهران: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- روزگار، عاطفه. (۱۳۹۰). *استراتژی‌های به‌کار رفته در ترجمه باهم‌آیی‌های لغوی قرآن کریم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی منصور فهیم. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکز.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق.). *الکشاف*. بیروت: دار الکتب العربی.
- الزوزنی، أبو‌عبدالله الحسین. (۱۹۹۲م). *شرح المعلقات السبع*. بیروت: لبنان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۷). «جادوی مجاورت». *مجله بخارا*. ش ۲. صص ۱۵-۲۶.
- صفارزاده، طاهره. (۱۳۸۰). *ترجمه قرآن*. چ ۲. تهران: مؤسسه فرهنگی جهان‌رایانه کوثر.
- صفوی، سیدمحمدرضا. (۱۳۸۸). *ترجمه قرآن*. چ ۱. قم: دفتر نشر معارف.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چ ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل‌بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان*. چ ۳. تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- فرحات، أحمد حسن. (۲۰۰۵م.). «أثر المصطلح القرآنی فی التداخل و التکامل المصطلحی فی العلوم الشرعیة». *دار البحوث للدراسات الإسلامیة و إحياء التراث*. دبی. ش ۲۰.
- فولادوند، محمدمهدی. (۱۳۷۳ق.). *ترجمه قرآن*. چ ۱. تهران: دار القرآن الکریم.
- کریمی‌نیا، مرتضی. (۱۳۸۹). «یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن»، *ساخت‌های زبان فارسی و مسئله ترجمه قرآن*. چ ۱. تهران: انتشارات هرمس.
- کفاش‌رودی، پروین، امید اکبری و بهزاد قنسولی. (۱۳۹۴). «خطاهای هماینها در ترجمه قرآن کریم». *فصلنامه مطالعات ترجمه*. س ۱۳. ش ۴۹. ص ۱۱۶.

مجتبوی، سیدجلال‌الدین. (۱۳۷۱). *ترجمه قرآن*. ویرایش حسین استادولی. چ ۱. تهران: انتشارات حکمت.

مشکینی، علی. (۱۳۸۱). *ترجمه قرآن*. چ ۲. قم: الهادی.

معزی، محمد کاظم. (۱۳۷۲). *ترجمه قرآن*. چ ۱. قم: انتشارات اسوه.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). *ترجمه قرآن*. چ ۲. قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).

ناصری، مهدی و همکاران. (۱۳۹۳). «ترجمه‌های تحت‌اللفظی معاصر قرآن کریم به زبان فارسی؛ برتری‌ها و کاستی‌ها». *دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*. د ۱. ش ۲. صص ۱۳۷-۱۶۸.

نیومارک، پیتر. (۱۳۸۶). *دوره آموزش فنون ترجمه*. چ ۲. تهران: انتشارات رهنما.

Mollanazar, H. (1990). *The role of collocation in translation*. Tehran: Tarbiat Modares University.

Nida, Eugene and Taber C. (1982). *The Theory and Practice of Translation*. Leiden: Brill.

Sung, j. (2003). *English Lexical Collocations and Their Relation to Spoken Fluency of Adult Non-native Speakers*. Unpublished doctoral dissertation. Indiana University of Pennsylvania, Pennsylvania.

Larson, M. L. (1984). *Meaning-based translation: A Guide to Cross-language Equivalence*. University Press of America.